

# تحول

گامنامه تحول شماره دوم پاییز ۱۴۰۱

شهرهای دانشجوی سال ۱۳۳۲



بکشید ما را....

## دانشجو،

## مطالبه‌گری،

## استکبارستیزی

ترور ناجوانمردانه دانشمندان هسته‌ای



حذف کمربندی جنوبی مشهد از طرح تفصیلی

حاشیه‌های یک مجسمه ۳۸ متری در دانشگاه  
فردوسی: طرح غیرعلمی با پیگیری دانشجویان و  
کارشناسان دانشگاه از دستورکار خارج شد!

ستاد مبارزه با کرونا دانشگاه‌های مشهد:  
جشن تزریق ۶۰۰ هزار دز واکسن کرونا در مراکز  
توسط دانشجویان

ملت ما بیدارتر می‌شود....

# روز دانشجو

گرامی باد.



شهرهای دانشجویان محافل امیت ۱۴۰۱

## استبکار، داخلی و خارجی ندارد

فَكَلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّمَّا لَا تَهْوَى  
أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِقْنَا كَذَّبْتُمْ  
وَفَرِقْنَا تَفْتُلُونَ

آیا هر پیغمبری که از جانب خدا اوامری بر خلاف هوای نفس شما آرد گردن‌فرازی و سرپیچی نموده و (از راه حسد) گروهی را تکذیب و جمعی را به قتل می‌رسانید؟ احتمالاً زمان قرعه‌کشی و گروه‌بندی جام جهانی کمتر کسی فکر می‌کرد که ایران بتواند به انگلیس دو گل بزند و از طرفی شش گل بخورد؛ یا اینکه دو گل به ولز با گرت بیلش بزنیم و نهایتاً در اوج حساسیت از آمریکایی که قوی‌ترین دوران تاریخ فوتبالش را به سر می‌برد یک گل بخوریم. اما آنچه قطعی به نظر می‌رسید، این بود که این گروه شاید سیاسی‌ترین گروه، حداقل در این دوره جام جهانی است. شوخی‌های زیادی شد، با این مضمون که جبهه مقاومت به نمایندگی ایران در مقابل جبهه استبکار بازی می‌کند.

به نظر قطعی می‌رسید که اگر آمریکا از ایران ببرد، یک ملت آه می‌کشد و بازیکنان تیم ملی آمریکا به ما می‌خندند یا اگر ما برنده میدان شویم، یک ملت تا مدت‌ها شاد است و سینه‌اش سپر می‌شود و بردمان در بازی با ولز مهر تاییدی شد بر این نظر.

اما بازی با آمریکا از پدیده‌ی جدیدی رونمایی کرد؛ استبکار داخلی. استبکار از ریشه «کبر» و به معنای برتری‌خواهی، امتناع از پذیرش حق از روی عناد و تکبر و خود بزرگ‌بینی دروغین است.

استبکار داخلی آن چیزی است که عَلَم دموکراسی بر می‌دارد ولی برای شادی کردن، برای کاسبی کردن، برای استوری

گذاشتن و پست منتشر کردن و حتی برای نحوه پوشش دیگران خود را صاحب عقیده دانسته و اگر کسی برخلاف آن عمل کند بی‌شرف خوانده می‌شود.

عجیب بود همان‌ها که با آروغ انسان‌دوستی، شادی ملت ایران را برای بهترین بازی تاریخش در جام جهانی محکوم می‌کردند و می‌گفتند نباید شاد باشید چون ما عزا داریم، بعد از باخت تیم ملی‌شان جشن گرفتند!

در بازی با آمریکا، بازیکنان آمریکایی به یوزهای ایرانی دل‌داری می‌دادند و یک عده وطن‌فروش در داخل فریاد میکشیدند علیه تیم‌شان که این تیم ملت ما نیست. هرچند حقیر بودند و قلیل، اما دل آدم به حالشان می‌سوخت.

استبکار جهانی به کجا رسید که شما مستکبرین داخلی

برسید؟  
ا میر



سخن را گفته است: «عُمِرَتِ الْبِلْدَانِ حَبِ الْاَوْطَانِ». آبادانی کشورها در گروی حب وطن است.

ملتی که وطن‌پرست نیستند، نمی‌توانند خواهان توسعه و پیشرفت باشند. آنکه حب وطن ندارد مستکبر داخلی است و تفاوتش با مستکبر خارجی و جهانی در این است که کوبیدنش همچون چوبی دو سر طلاست. اگر حرفی بزنی، صورت خود را کبود کرده‌ای و اگر سخن نگوئی، او کوتاه نمی‌آید. وطنت را ثمن‌بخس می‌فروشد و در انتها به این میبالد که در راه آزادی قدم برداشته! اگر استبکار جهانی به بهانه استعمار، آزادی، استقلال و حق تعیین سرنوشت را از یک ملت می‌گرفت، استبکار داخلی اتفاقاً با بهانه آزادی، «آزادی» را سلب میکند. به بهانه توسعه، راه پیشرفت را می‌بندد. به بهانه نوع‌دوستی، سر می‌برد. نهایتاً تابلو نازیهای تعارضات و تناقضات فکری را با خوش‌رنگ و لعاب‌ترین‌ها شکل می‌دهد، برای آن‌ها که تنها مجرای کسب دانایی‌شان، اینستاگرام و تلگرام است منتشر کرده و قلب و ذهنشان را تسخیر می‌کند.

حتی اگر شیپور بزنگاه‌های حساس هم بخورد این افراد، مخفی‌ترین لانه‌ها را می‌سازند، چرا که ارزش‌هایی به نام غیرت ملی و دینی، وطن‌دوستی، تمامیت سرزمینی و انسجام اجتماعی در قاموس آن‌ها نیست؛ نشان به نرخ روز بوده و همه اعمال‌شان حول محور منافع شخصی.

بیان، البته، به انسانی هم که در اوج خشم لب است نمی‌شود خرده چندان گرفت که چرا ناسزاهای ناشایست دادی و این کار غلط است ولی نباید فراموش کرد علت‌العلل، محرک است.

## دانشجو، مطالبه‌گری یا مطالبه‌گر‌نمایی

## قسمت اول

ساخت گفتمان عمومی در جهت حل مشکل است. اگر بتوان با دیدگاهی نخبگانی مردم و قاطبه جامعه را با موضوع و راه حل مورد نظر همراه نمود قطعاً راهبرد حل مسئله به پیش خواهد رفت.

دانشجو و محیط دانشگاه، برای یک مسئله می‌تواند راه حل مناسب را ارائه دهد. یعنی در شرایط حاضر یک مسئله با دانستن مشکل و شرایط محیطی، راهکار مناسب برای برون رفت از مشکل را استخراج نماید. حال چنین دانشجویی را می‌توان دانشجوی معترض نامید! یعنی به وضع موجود معترض بوده و راهکار برون رفت از مسئله را نیز می‌داند. اکنون، دانشجویی که با همراهی سایر متخصصین در حوزه خود، به موضوع اشراف داشته و راه حل را می‌داند، باهم جنبشی دانشجویی را شکل می‌دهند. این جنبش برای پیاده سازی راهکار خود، بایستی گام‌هایی را بردارند. بدین معنا که قطعاً رسیدن به راهکار مطلوب بعثت ایجاد تغییر در وضع موجود، احتمالاً مورد مقاومت واقع خواهد شد. دانشجو پس از استخراج راه مناسب برون رفت از وضع موجود، نیاز دارد بتواند گفتمان جامعه را به سمتی سوق دهد تا مطالبه حل مشکل مبتنی بر راه موجود، بصورت عمومی بیان شود. حال آنکه در گام‌های مختلف حل مشکل، گروه‌های مختلفی بایستی با مسئله درگیر شوند. تا مرحله به مرحله، راهکار اجرایی شده و به سمت رسیدن به راه حل سوق پیدا کنیم.

که مطالبه‌گری دانشجویی تفاوتی با مطالبه‌گری غیردانشگاهی ندارد! هر دو خلاصه می‌شوند در اعتراضات کلامی. حال آنکه اگر خیلی موفق باشیم، فضای دانشگاه را گفتمانی‌تر از غیر نگه می‌داریم و بحث و گفتگو سطح بالاتری دارد. اما آیا این تمام آنچیزی است که از دانشگاه توقع می‌رود؟ یقیناً اینطور نیست.

دانشجو، آن عنصر زنده و متفکری است که نه آنچنان درگیر روزمرگی و روزمردگی شده است که نتواند امیدی به تغییر و بهبود وضع داشته باشد و نه آنچنان ناپخته و بدون ایده است که نتواند تفسیری درست از وضع موجود و راه‌های بهبود داشته باشد. بی‌راه نیست اگر دانشجو را از پر رسالت‌ترین ارکان در تغییر وضع موجود بدانیم. اما به راستی شیوه درست «مطالبه‌گری دانشجویی» چیست؟ دانشجو چگونه باید مطالبه کند و تفاوت مطالبه‌گری دانشجویی با مطالبه‌گر‌نمایی دانشجویی در چیست؟

دانشجو، عنصر مختصی است که با بال تفکر به مسائل نگاه کرده و راهکار ارائه می‌دهد. شاید بی‌راه نباشد اینطور استدلال کنیم که هیچ مشکلی وجود ندارد، مگر آنکه دانشجو راه حل آن را بتواند استخراج کند.

آنچیزی که واضح و مشخص است و از دانشجو انتظار می‌رود آرمان خواهی است، بدین معنا که نباید مشکلات را نادیده گرفته و رفعش را دور از ذهن بداند. اما در این میان یکی از اساسی‌ترین رسالت‌های جنبش دانشجویی در رفع مشکلات کشور،

ابی حوصله داخل گروه‌های دانشجویی چرخی زدم! برخی بحث سیاسی را غیرمجاز کرده بودند و برخی پر بود از بحث‌های بی سر و ته. بحث دانشجویی را دوست دارم از آن جهت که چندین جوان باهم مبادله نظر می‌کنند و همه دغدغه‌شان مشترک است! چیزی که در جامعه و خارج از دانشگاه کمتر دیده می‌شود. در کوچه و بازار که بحث می‌کنی گاه و بی‌گاه موافق و مخالف حاضرند هم‌وطن خود را برای رسیدن به اهدافشان قربانی کنند. انگار دغدغه‌شان دیگر مشکلات مردم نیست. انگار فقط رسیدن به یک سری اهداف دست چنم و غیر آرمانی، شده است آرمان مطالبه‌شان!

اما دانشگاه، قضیه‌اش فرق می‌کند. انگار جنس بحث متفاوت است. بحث و گفتگو در فضای دانشگاهی نمونه واضحی از گفتمان معترضانه و بر پایه منطق است. آنگاه که هر طرف، چه موافق و چه مخالف، تنها دغدغه‌شان بهبود وضع مردم و جامعه است. هرچند که گاهی تولیدات رسانه‌ای برخی رسانه‌ها چشم و گوش‌ها را بسته و باعث دور شدن از بحث منطقی می‌شود. کاش می‌توانستیم و یاد داشتیم گفتمان معترضانه خود را در فضای حقیقی و در جمعی دانشجویی، دوستانه و دغدغه‌مندانه برپا کنیم. هدفمند باشیم و نگذاریم بحثمان مناسب فضای دانشگاهی نبوده و پربار باشد. به راستی الگوی جامعه دانشگاهی برای مطالبه‌گری چیست؟ تنها چیزی که مشاهده می‌شود آن است



اخبار و اعلان های خانه نشریات

آرشیو کامل نشریات دانشجووی



نحوه دریافت حمایت مالی



نحوه درخواست مجوز نشریه



نحوه شرکت در جشنواره نشریات



نحوه ثبت آرشیو نشریه



اسفند و آئین نامه ها • دستورالعمل نشریات دانشگاهی



اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات



لیست نشریات فعال



در سایت سفید • [sanad.um.ac.ir](http://sanad.um.ac.ir)

